



IRISEKAI



T.me/IriSekai



instagram.com/IrisSekai

Ashely

M.P

paniz

مترجم:

کاپتر:

تایپیست:

یعنی داری میگی...



من همون طلایی ام
در قالب یه انسان؟

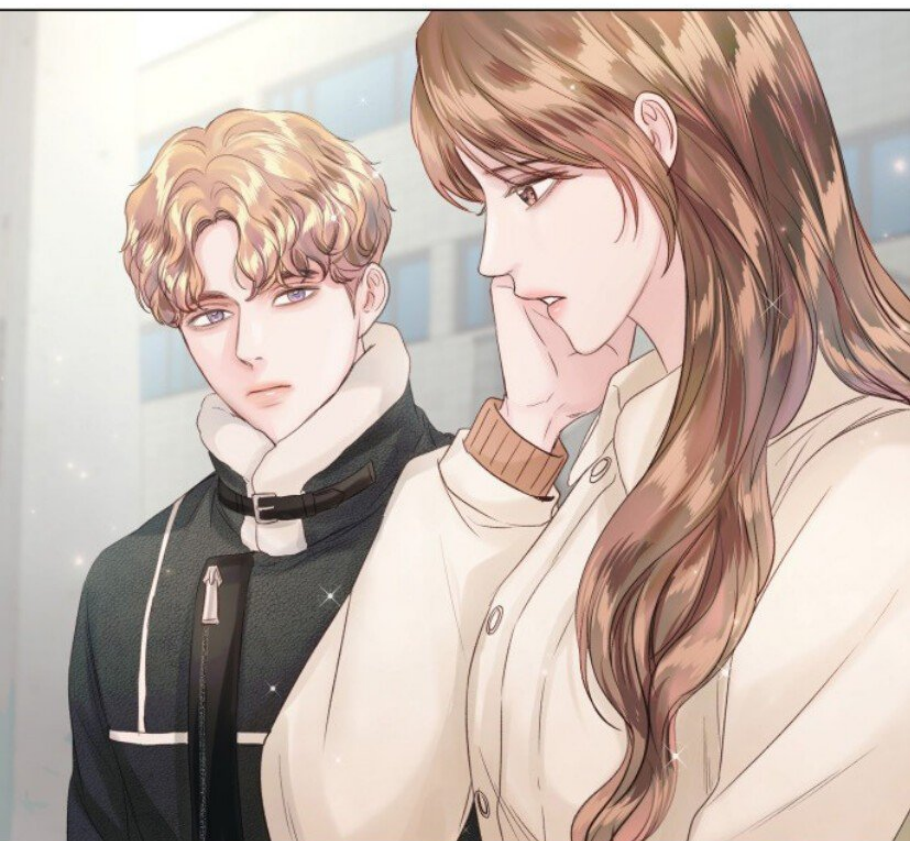


م-من معذرت میخوام
این کارم بی ادبیه

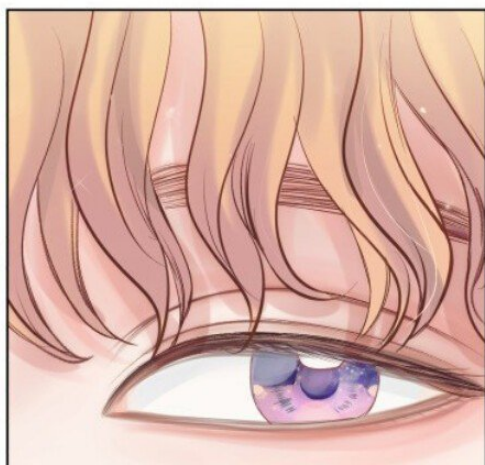




نگران یه موضوعیم
به خاطر همین دارم
چرت و پرت میگم



هیچ مشکلی نداره که
به خاطر یه موضع ناراحت کننده
گریه کنی. میفهمم



اما...

تو واقعا منو شبیه
یه انسان نمیبینی؟





این نیست
م-منظورم

با خودم فکر کردم
شاید یه فرشته ی نگهبان باشی



فکر کردم شایدم
خدایی و نه یه انسان...

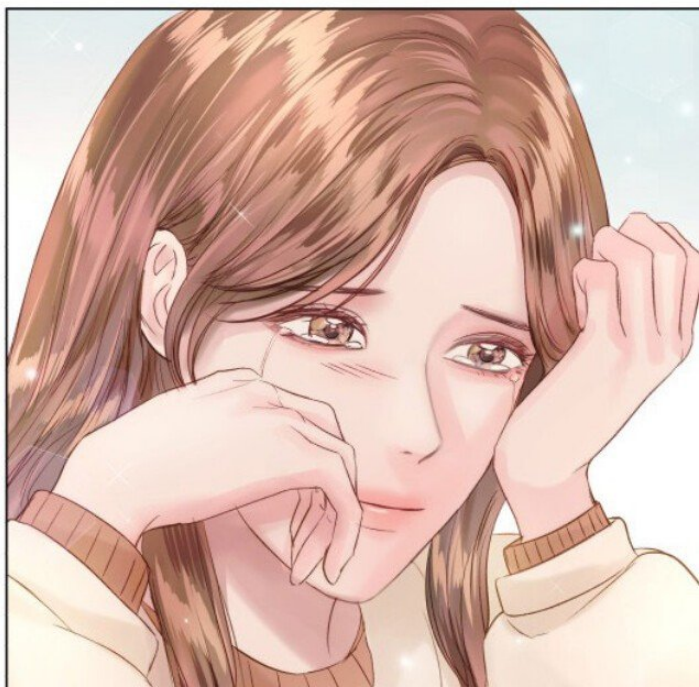


حاضرم زانو بزنم
و التماس کنم...



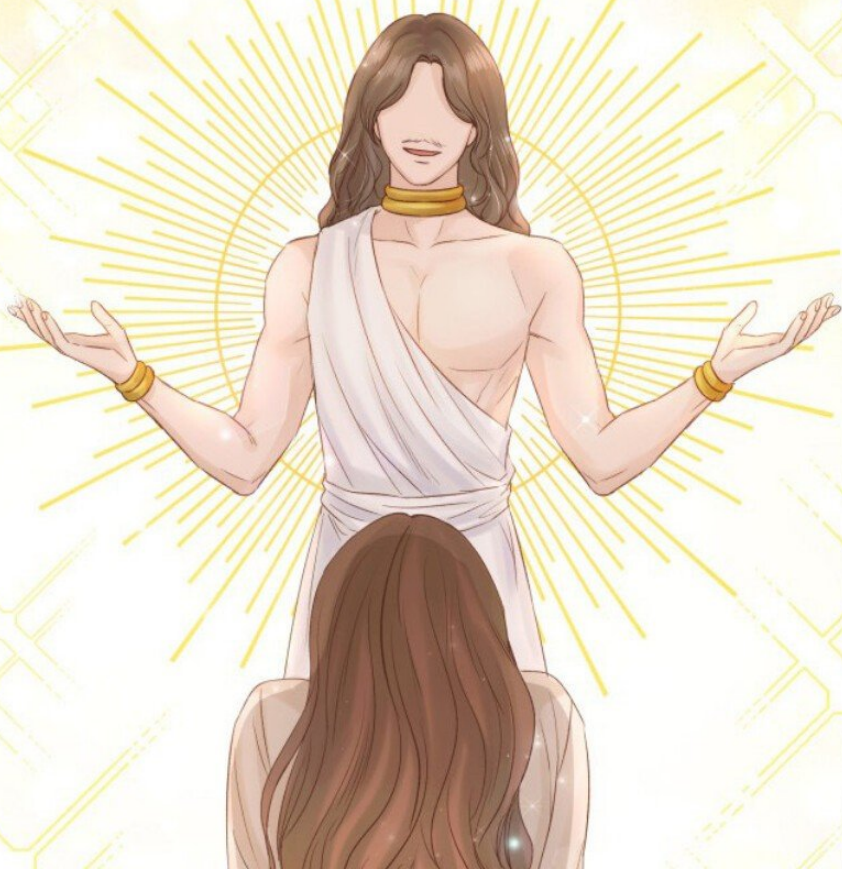


امیدوار بودم که شاید
خدا جلوم ظاهر شده





میخوام بشینم از خدا
درخواست کنم





لطفا اونو تو این زندگی
نجات بده!



حتی تهدیدشم میکنم

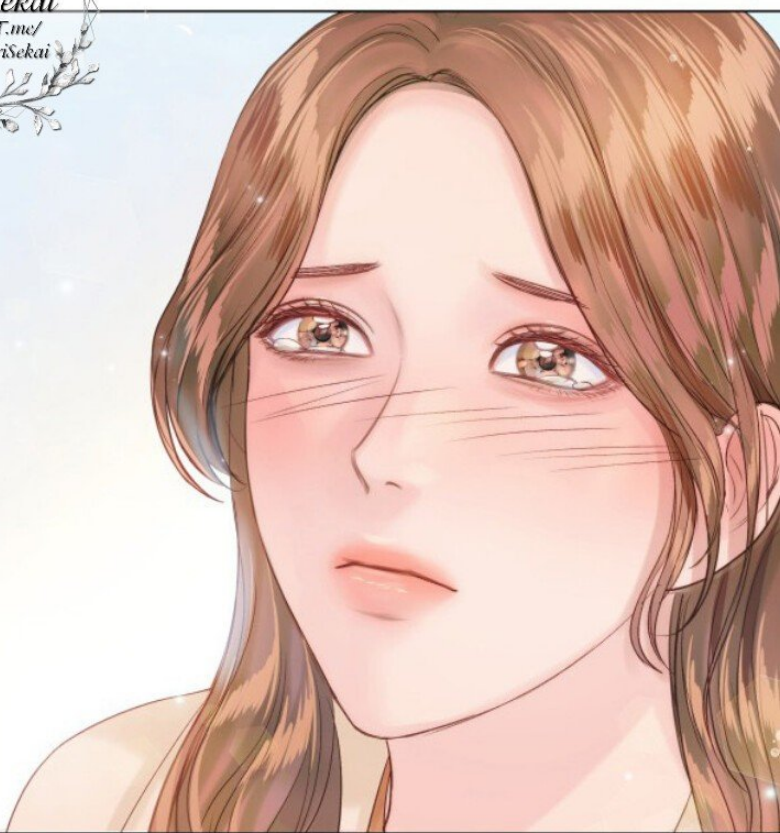


تو خودت منو فرستادی
به گذشته!





همیش تقصیر توئه!
بزار به خواستم برسیم!



لطفا...



کمکم کن ارزش
محافظت کنم

دیگه آروم و قرار
ندارم



میدونم که تو دنیا
هیچ اهمیتی ندارم





میدونم جایگاهم چیه



میدونم دنیا قرار نیست
به خاطر آدم پستی مثل من
تغییر کنه



اما دلم میخواست تو
دنیايي زندگي ميکردم...



که به برای یه نفرم
تغییر میکنه

کاشکی خدا به
التماسای من گوش میکرد!





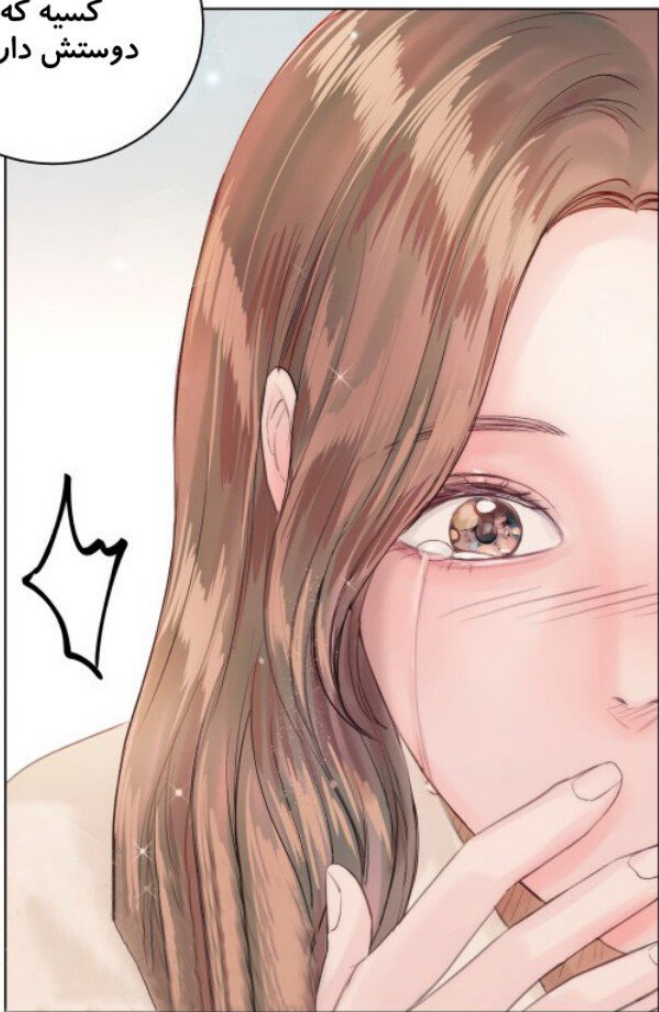
میخوام اونو نجاتش بدم

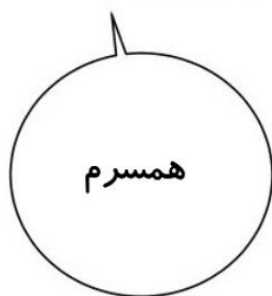
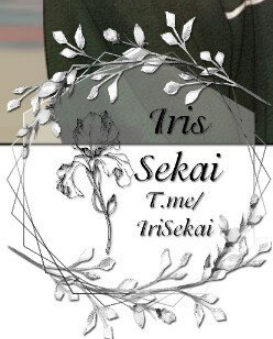
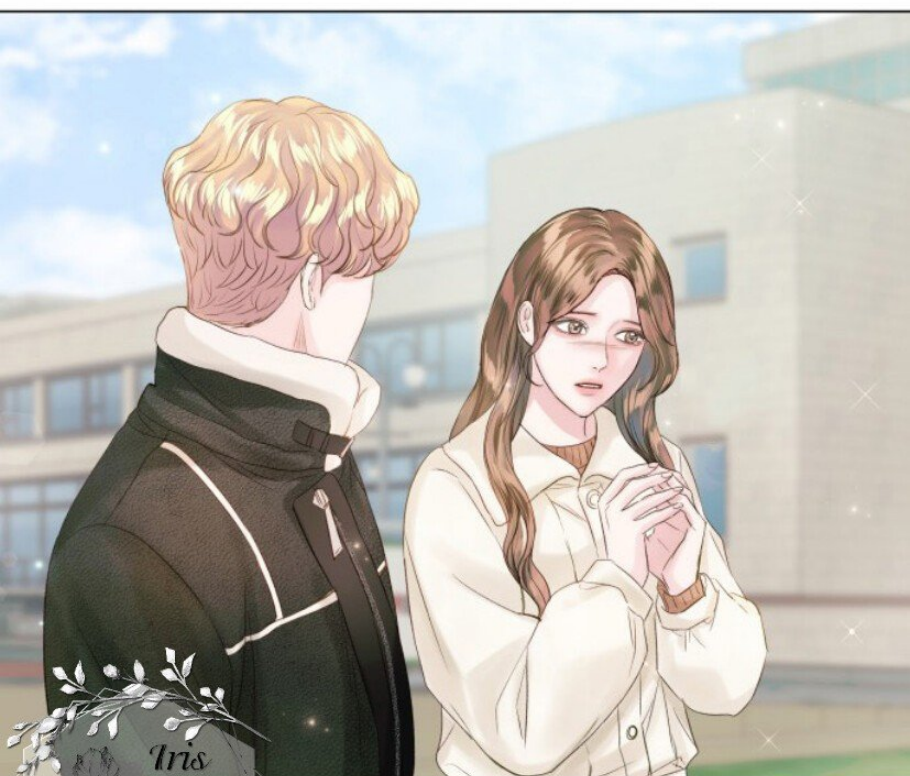


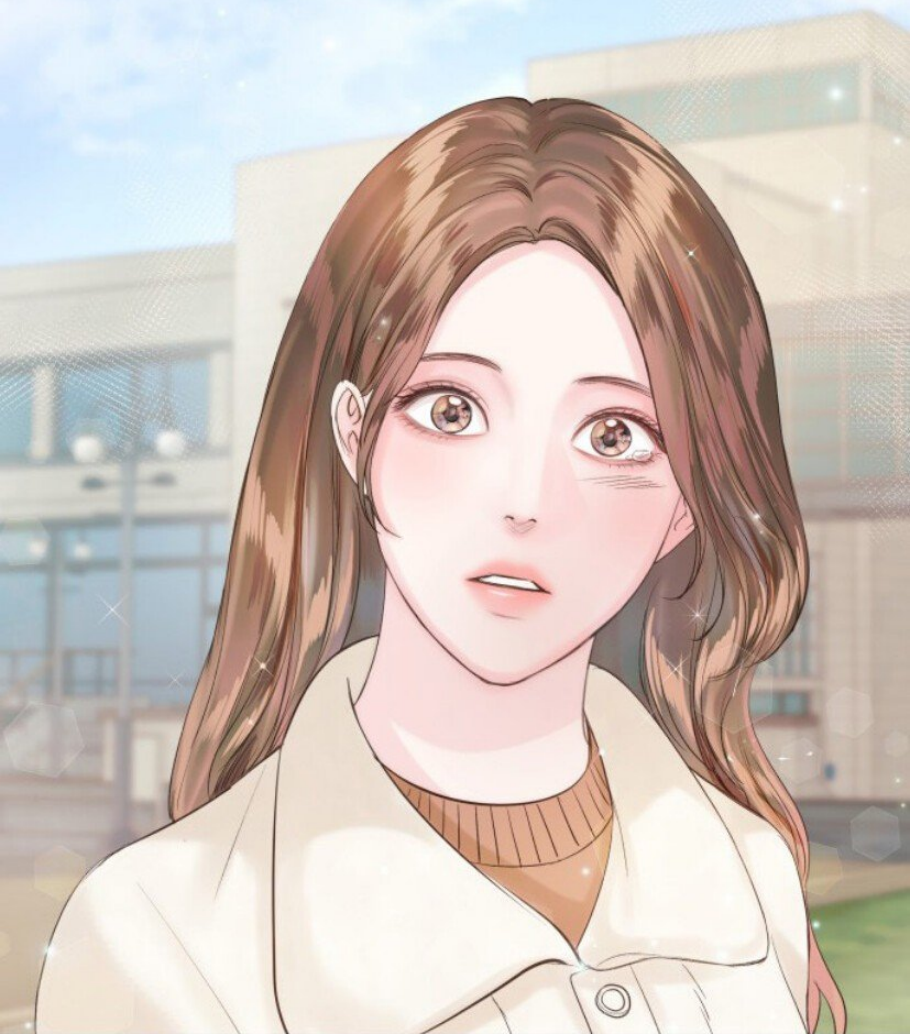


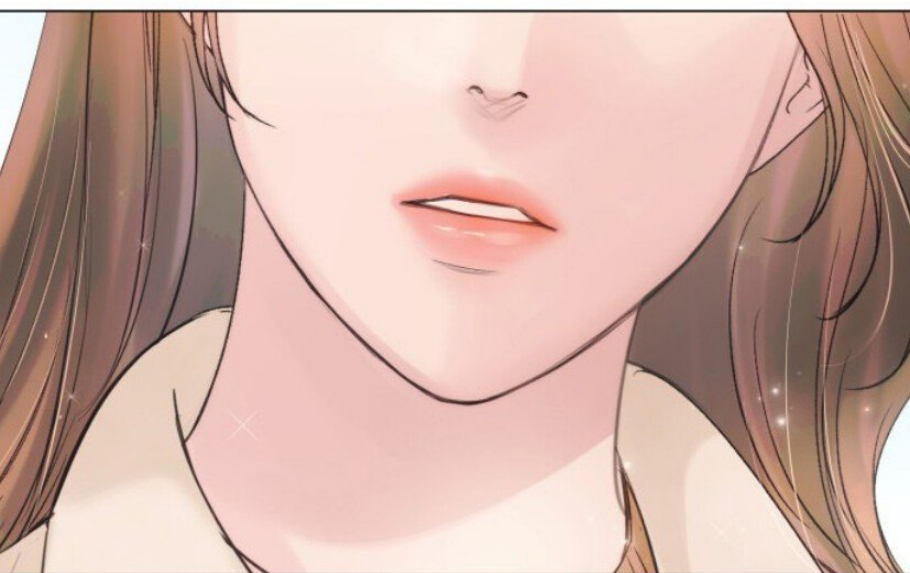
منظورت از اون...

کسیه که
دوستش داری؟











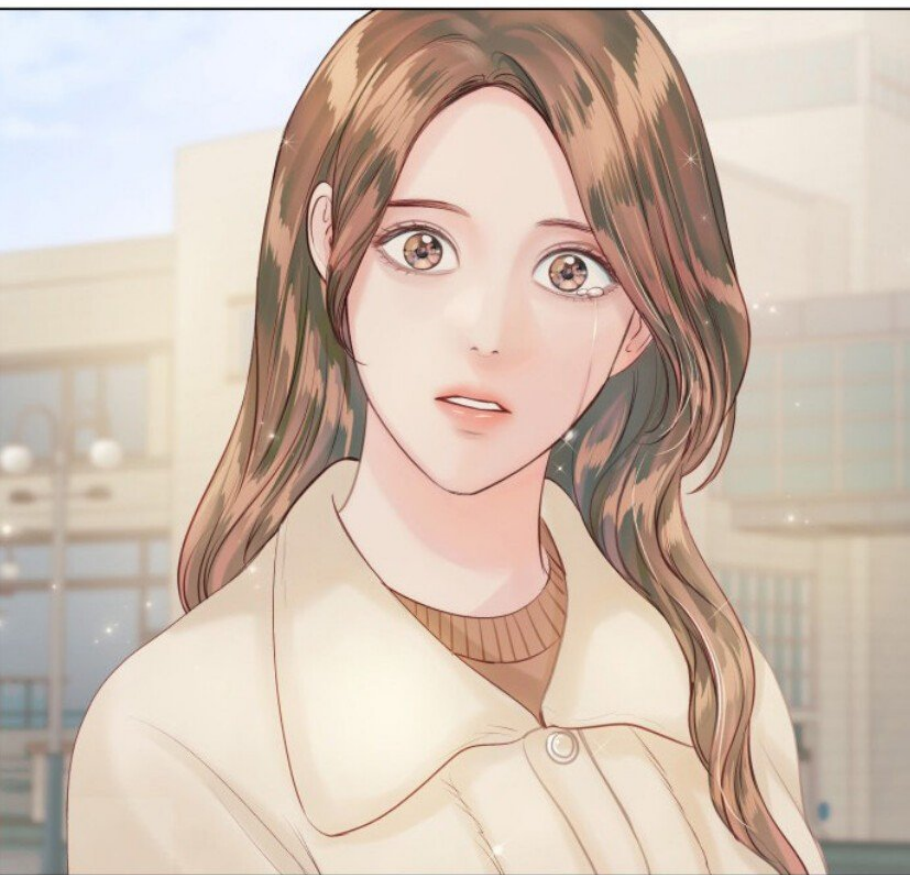
کسی که اینقدر بدجور
دوستش داری

فکر کنم باید به کسی که
دوستش داری بگی که
دوستش داری



اینجوری میتونن به سر نوشت
خودشون غلبه کنن





راست میگه. من...

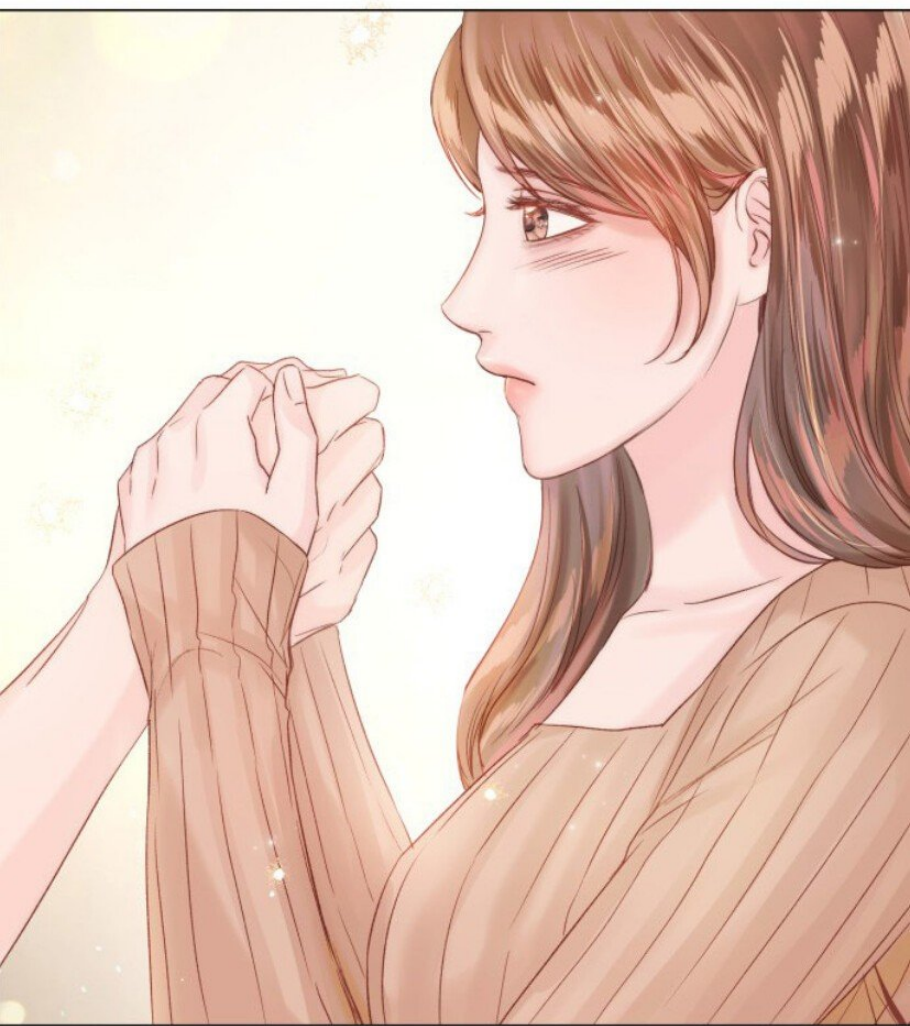




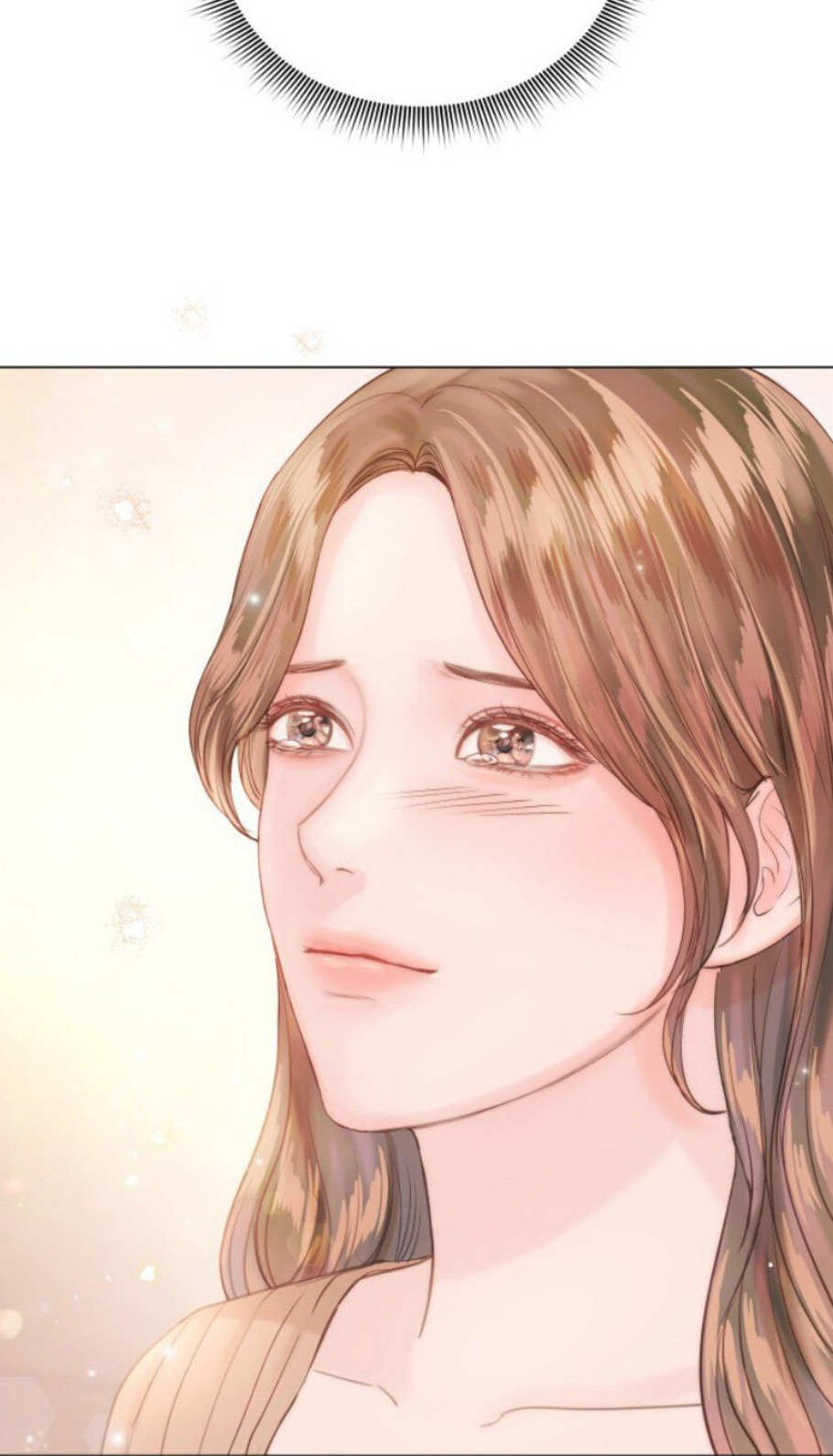
واقعاً دوستش دارم



عاشقشم



از همون اول هم
همیشه میخواستم تو دنیایی
زندگی کنم که تو زنده باشی...



به خاطر خوشحالی خودم



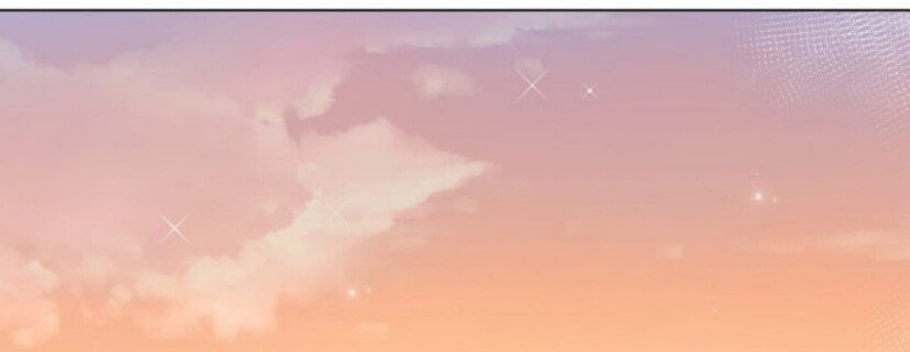
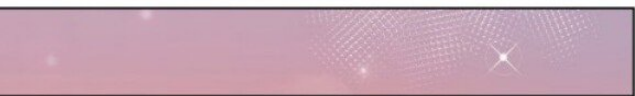
به خاطر این که
دوستت دارم...



به خاطر این که
میخوام با تو باشم



به خاطر این که
خیلی دوستت دارم

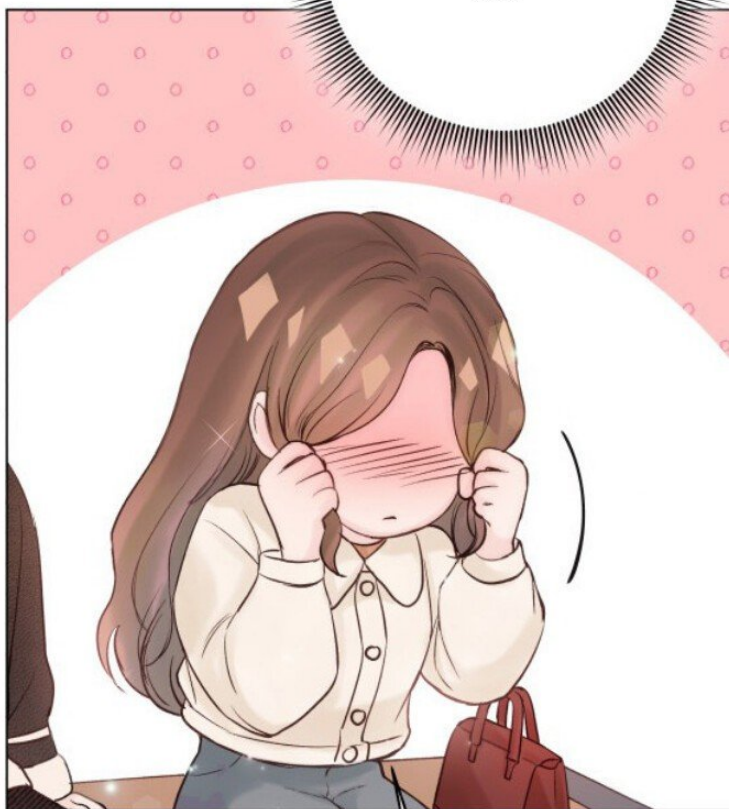




گریه کردنات تموم شد؟



ایں چه کاری بود
چلوی یه مرد غریبه کردم
آخه؟



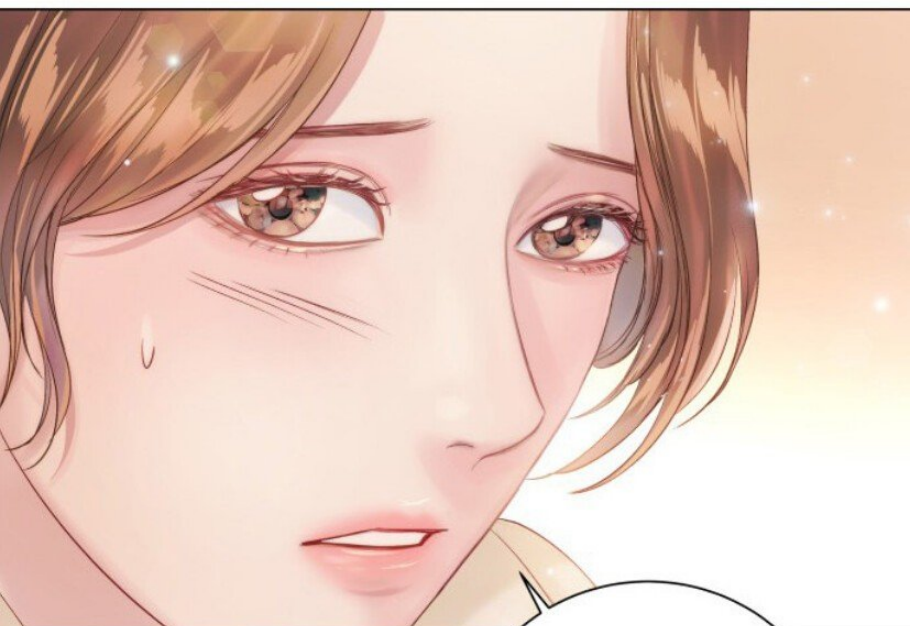
یهو خجالت کشید

عمیق ترین احساساتمو
بهش گفتم، و پدر چشماتمو
دراوردم





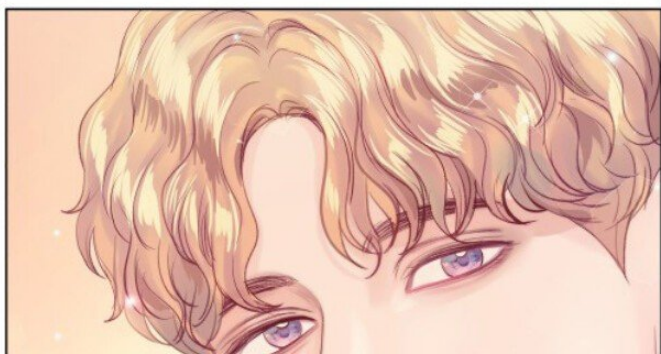
ب-بله



اما واقعا چرا
همه اينارو به شما گفتم؟



چیزی نیست
آدما وقتی منو میبینن
اینجوری میشن



A close-up illustration of a person's face, showing a slight smile and a dark jacket with a white fur collar and a silver buckle. The background is a soft, warm glow.

انگار میتونم یه کاری کنم
که آدما مجبور بشن
احساساتشونو بهم بگن

A scene showing two people sitting on a bench outdoors. On the left, a person with short, wavy blonde hair is wearing a dark jacket and resting their chin on their hand. On the right, a person with long brown hair is wearing a light-colored jacket and looking towards the other person. The background features a brick wall and some greenery.

ولی خب
فکر کنم این در برابر کارایی که
تو میتونی بکنی هیچیه



بهتره دیگه برم







وایسا بینم
منظورت از کارایی که
من میتونم بکنم چیه؟

امیدوارم دفعه ی بعدی
که همدیگه رو ببینیم...

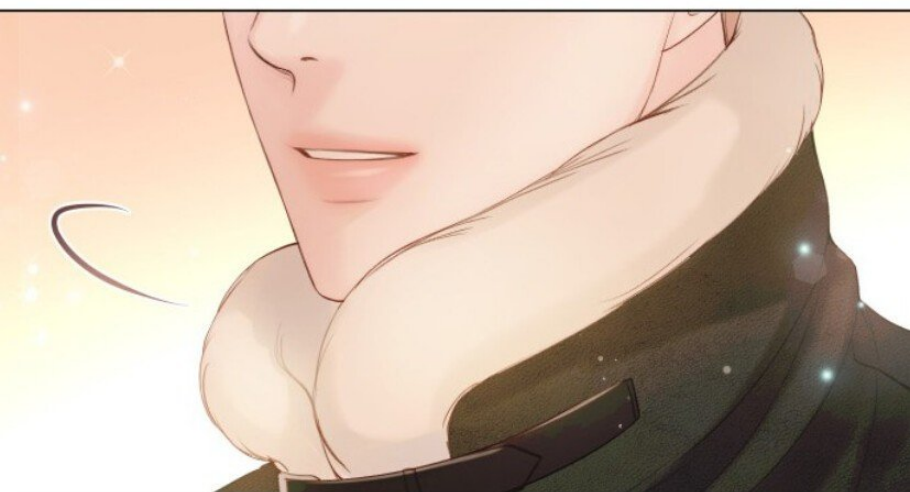


حالت
بہتر شدہ باشہ

اے اقل قبل این کہ
بری است بهم بگو!



멍췌



سائول



اسم سائله

سائله؟
چه اسم عجیبی

چه اسم عجیبی

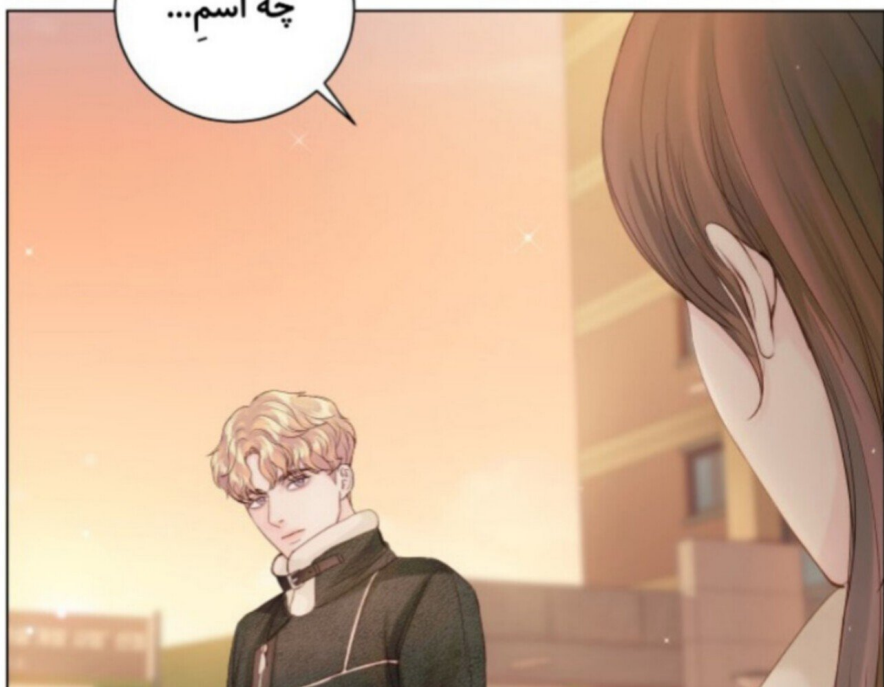


가웃

پہ.ن: سول یا (soul) بہ انگلیسی
میشہ روح و باطن

یہ چورایی شبیہ
"سولہ"...

چه اسم...





روح انگیزی

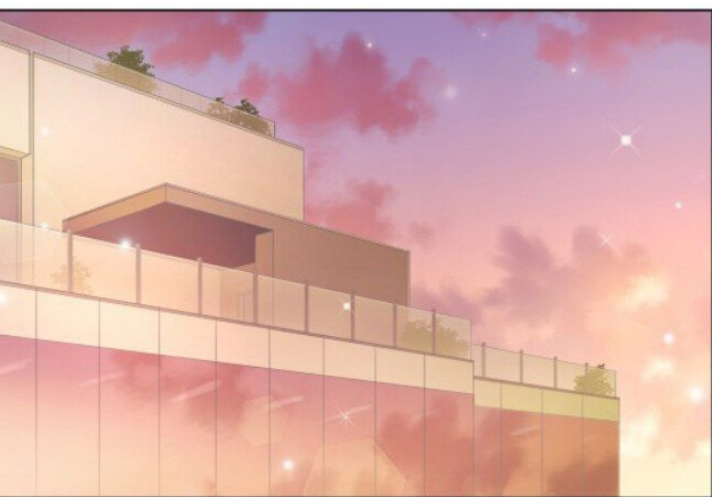
پ.ن: منشور ایند که چقد است
پرمفصوح و پیر از حس زندگیم





زیاد اینو
بهم میگو







خوبه که فهمیدم چه
حسی پهنش دارما...

اما چچوری پهنش بگم؟







دست چطورہ؟



از قبل خیلی بهتره



فردا وقت ناهارم
یه سر میرم بیمارستان





منم باهات میام



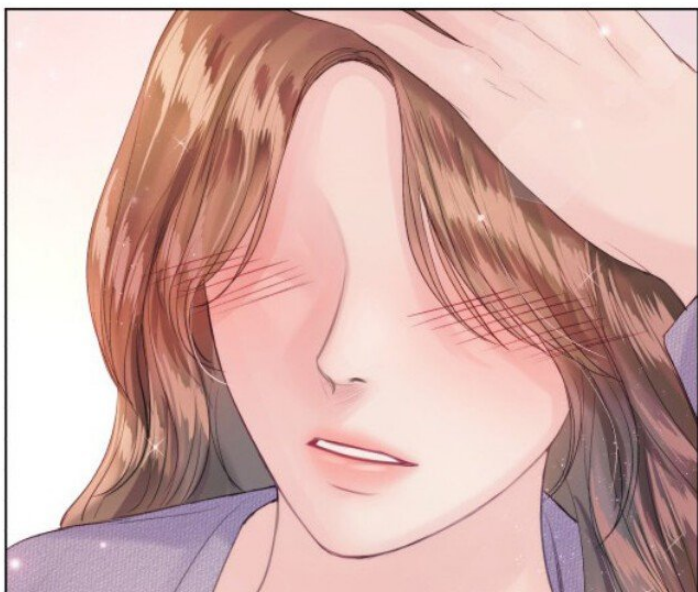
باشه
بهت خبر میدم



قیافت خیلی
کیوت شده بود



حداقل تا این حدو دیگه
بذار انجام بدم





میخوام یه چیزی
بهت بگم



میدونم



بیخشید امروز
صبح اذیتت کردم

هاه؟
منظورم اون نیست



اما از نظر من تو
همیشه خیلی خوشگلی



لطفا اینو یادت باشه

راستشو بخوای
امروز صبح که داشتی موهامو
میشستی لباست خیس شد...

و یه کم برام سخت شد
جلوی خودمو بگیرم





چون بعضی وقتا
به طرز عجیبی
خوشگل میشی

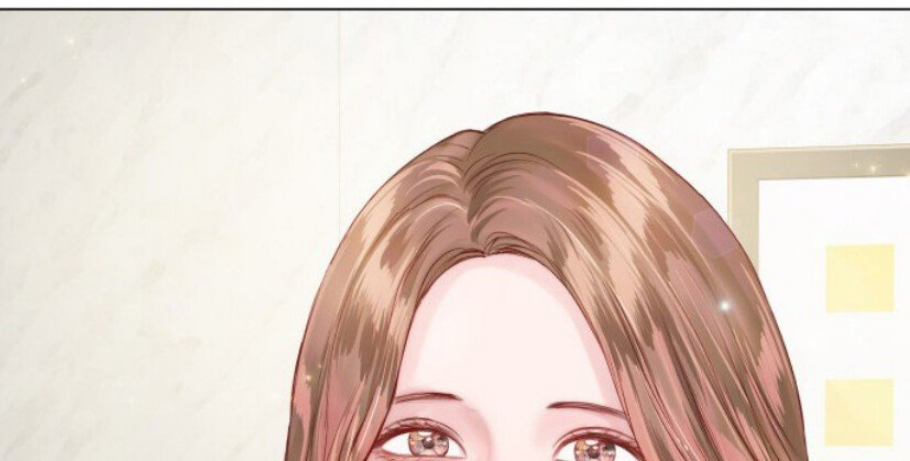




کپاش فنده >اره؟



اصن نمیخوام
درباره ی این صحبت کنم





ممکنه زمان خوبی
برای گفتنش نباشه...



اما خب تو هم هیچوقت
تو زمان مناسب حرفاتو نزدی
پس این به اون در





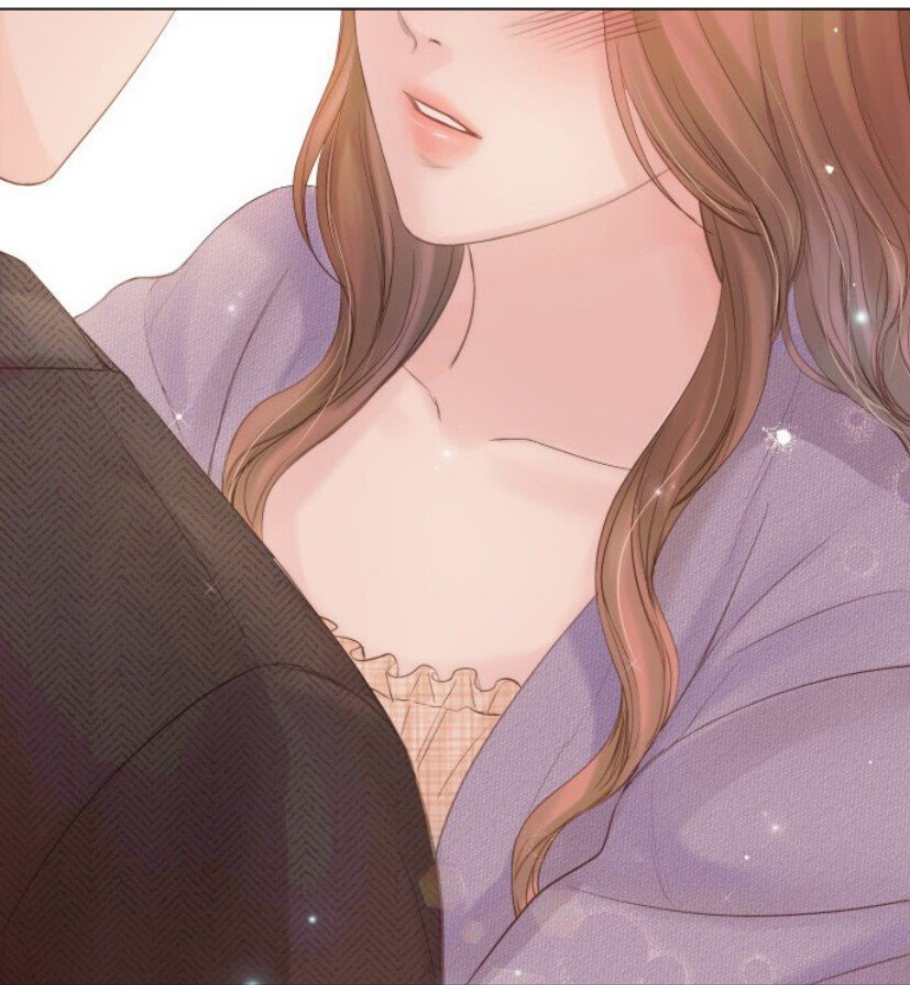
اولین باری که دیدمت...



اینقدر می‌درخشیدی که
هیچوقت فکر نمی‌کردم در حد تو باشم
و بتوانم بهت برسم

به خاطر همین
این همه مدت ازت می‌ترسیدم

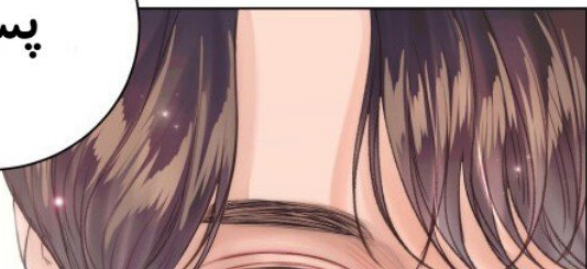
هنوزم یه کم می‌ترسم
ولی...

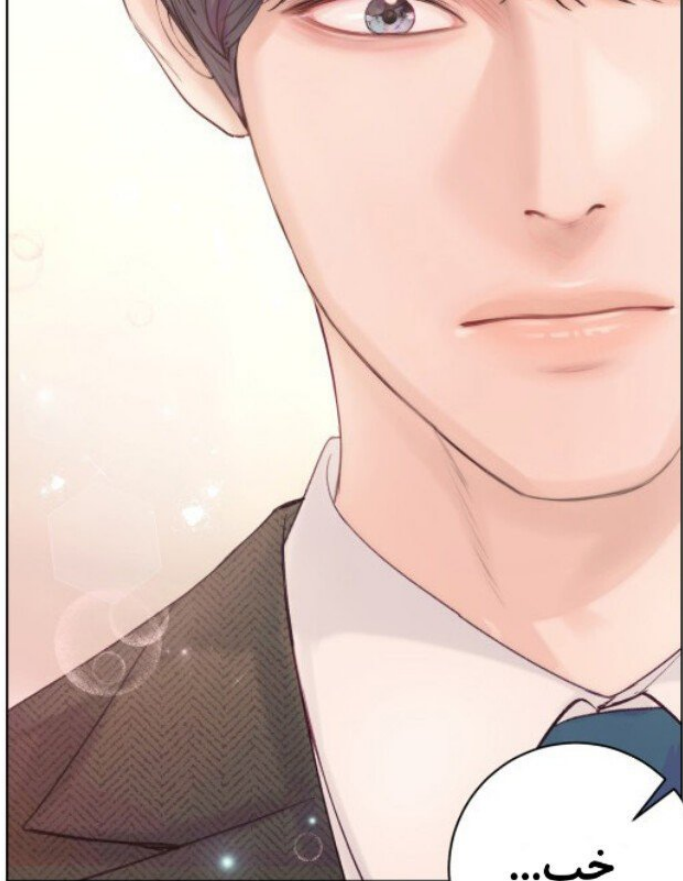


پ.ن: منظورش اینه که ارزش من به خاطر
قلبه نه ترسم

اینم میدونم که این قلبمه
که داره میلرزه و با دیدنت
به تپش میوفته

پس...





خب...







جوین شدن
تو چنل لایک و
کامنت یادت نره